قدس
رواق
ویژه‌فرهنگ‌و‌معارف‌رضوی
| سال دوم | ویژه نامه ۲۹۲ |

موعظه/ آیت‌الله حائری شیرازی
محبت واعظ درونی انسان‌را قوی می‌کند ۲

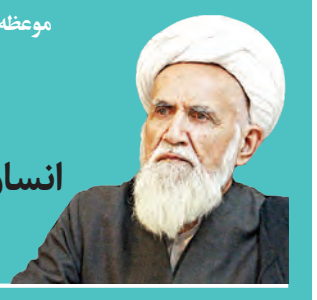

حجت‌الاسلام‌والمسلمین خسروپناه مطرح کرد
چالش اساسی در بحران جمعیت مسئله حکمرانی است ۳

با هدف پاسخگویی به شبهات عاشورایی
جشنواره «انا من حسین» کلید خورد ۲

۸ مأموریت برای شرکت‌های بنیاد بهره‌وری موقوفات ۴

یادداشت/ حمزه واقعی
جانباز است و ازدحام دردها ۲

پای صحبت پزشک جانبازی که ۲۰ سال است در دارالشفاء خدمت می‌کند

«جانبازی» فرصتی برای دریافت رحمت الهی

۴

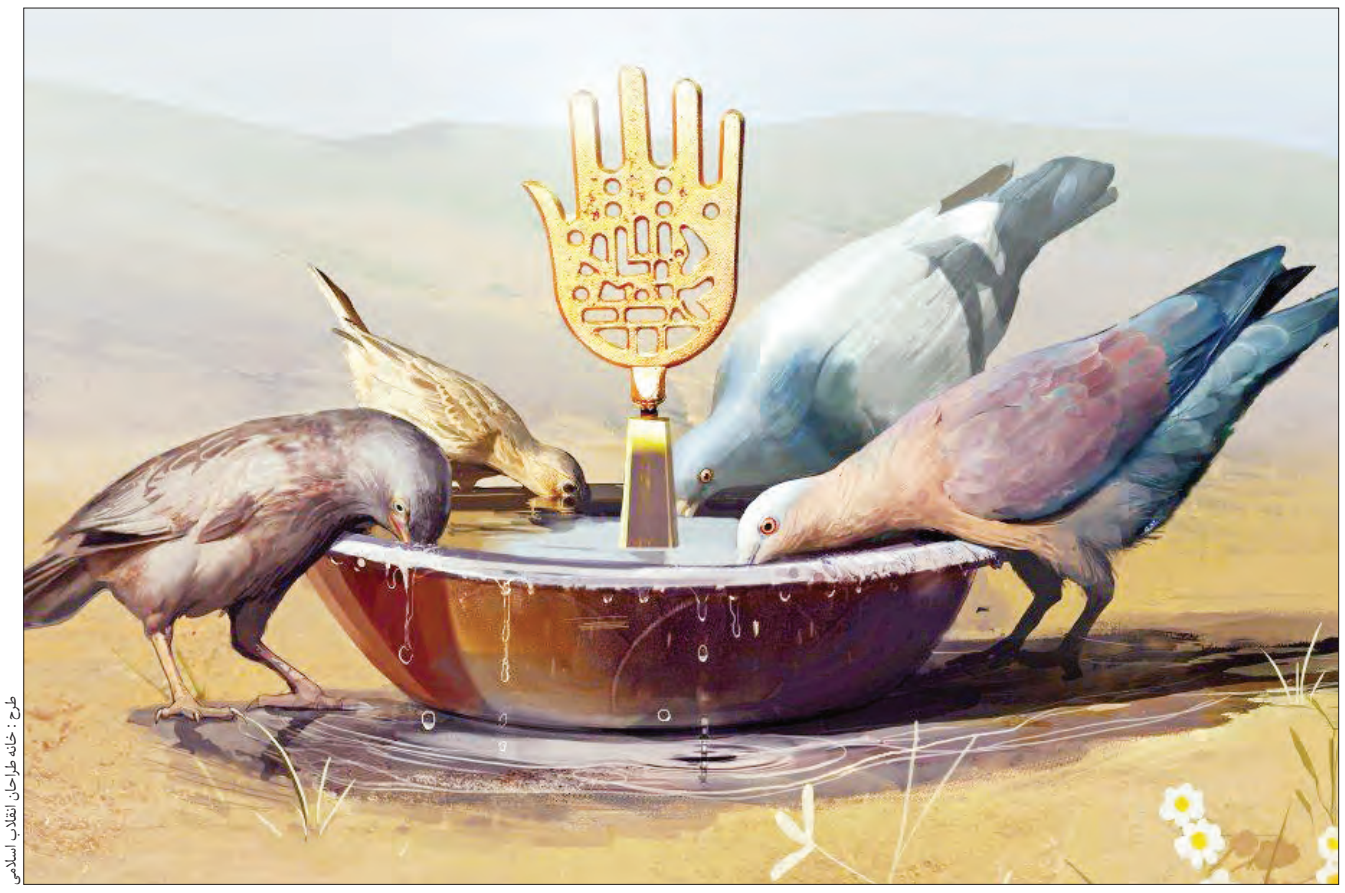

طرح: خانه طراحان انقلاب اسلامی

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام دکتر مصطفی صادقی درباره فضائل حضرت ابوالفضل علیه‌السلام در منابع معتبر تاریخی

چشمه دستان عباس علیه‌السلام

حضرت اباالفضل العباس(ع)، اسوه ایثار و فداکاری و بزرگ سرداری است که در مبارزه با طاغوت و همراهی با امام زمان خویش حماسه‌ای ماندگار آفرید. منابع معتبر تاریخی به نقش مهم آن حضرت در پرچم‌داری سپاه امام حسین(ع) در صحرای کربلا و دفاع از حریم ولایت و امامت اعتراف کرده‌اند. عظمت شخصیت و شجاعت بی‌مثال حضرت اباالفضل(ع) گاهی سبب بیان مطالبی غلوآمیز درباره آن حضرت شده که با روایات صحیح تاریخی سازگاری ندارد...

۲

عاقبت مرتضی‌قلی پُرناک که ۴۴۰ سال پیش مشهد را آماج غارت خود کرد، چه شد؟

فرجام جسارت به حرم مطهر رضوی

محمدحسین نیکبخت | با مرگ شاه تهماسب یکم در سال ۹۵۵ خورشیدی، آشوب و هرج و مرج در گوشه‌و کنار ایران آغاز شد. سلطان محمد خدابنده، جانشین شاه تهماسب یکم، فردی بی‌کفایت بود و ترجیح می‌داد در امور دخالت نکند. در این شرایط، خراسان و به خصوص شهر مشهد درگیر مشکلات عدیده‌ای شد؛ مشکلاتی که زائران و مجاوران حرم رضوی را این بار نه با حملات پیاپی ازبک‌ها، بلکه در میانه زیاده‌خواهی‌های سران قزلباش و حکمرانان محلی، گرفتار کرد. در این شرایط، حکومت مشهد به دست یکی از سرداران زیاده‌خواه صفوی به نام مرتضی‌قلی بیک پُرناک افتاد.

■ آغاز زیاده‌خواهی‌های پُرناک

از مرتضی‌قلی پُرناک به عنوان سرداری شجاع و بی‌باک در تاریخ یاد کرده‌اند. ظاهراً یکی دو بار هم در خراسان، از پس هجوم ازبک‌ها برآمده بود. می‌گفتند حتی پس از مرگ شاه تهماسب هم، حمله جلال‌خان ازبک را دفع کرده است. با این حال، مرتضی‌قلی در مجموع آدم بی‌رحمی بود و در خشونت همیشه زیاده‌روی می‌کرد. به همین دلیل وقتی اوضاع را پس از مرگ شاه تهماسب آشفته دید، خودسر شد و افتاد به جان مردم مظلوم خراسان و شهر مشهد. این دوران مصادف با آغاز رقابت بر سر قدرت، میان سران قزلباش در شرق ایران هم بود. مرشد قلی‌خان، مربی و لَلِه عباس‌میرزا (شاه عباس بعدی) به دنبال آن بود که او را به سلطنت برساند و اصلاً سلطان محمد خدابنده را از میان بردارد. به همین دلیل، از هرات برای مرتضی‌قلی پُرناک پیام فرستاد که باید قدرت عباس‌میرزا را قبول کند. مرتضی‌قلی هم که خود ادعای حکومت داشت، جانب سلطان محمد خدابنده را گرفت و اوضاع حسابی در خراسان به هم ریخت. لشکریان مرشد قلی‌خان به سمت مشهد حرکت کردند تا این شهر را تصرف کنند. مرتضی‌قلی که تاب مقاومت نداشت، فرار کرد و مشهدی‌ها هم که از دست ظلم و ستم او به جان آمده بودند، تسلیم مرشد قلی‌خان شدند و او هم عباس‌میرزا را بالای کوهسنگی برد و طی مراسمی رسماً فرمانروای ایران اعلام کرد. اما این پایان ماجرا نبود.

■ هجوم به حرم رضوی و خانه‌های مجاوران

با فرا رسیدن سال ۹۵۹ش، بالاخره مرتضی‌قلی پُرناک دوباره بر مشهد مسلط شد و تسمه از گُرده خلق کشید. او به جان زائران و مجاوران حرم رضوی افتاد و دستور داد برای تجهیز قشون، مالیات دوساله را یک جا از مردم بگیرند و از زائرانی که وارد مشهد می‌شوند، عوارض دریافت کنند. کار به جایی رسید که سربازان او حریم منزل مجاوران حرم رضوی را شکستند و اموالشان را به زور تصاحب کردند. با نزدیک شدن لشکر رقیب به فرماندهی علیقلی‌خان، مرتضی‌قلی پُرناک دریافت که از نظر تعداد نیرو با مشکل روبه‌روست. به همین دلیل تصمیم گرفت از حاکمان اطراف مشهد و مناطق نزدیک مرو، سرباز اجیر کند؛ اما برای این کار به پول زیادی نیاز داشت. این بود که در اقدامی جنون‌آمیز دستور داد قندیل‌ها و ظروف طلای وقفی حرم مطهر را آب کنند و با آن‌ها سکه بزنند. او به این مقدار بسنده نکرد و هر مقدار پولی که از موقوفات بدست آمده و قرار بود برای نیت واقفان صرف شود، تصرف کرد تا با آن جنگجو استخدام کند. این اقدام با اعتراض مردم و علمای شهر روبه‌رو شد، اما مرتضی‌قلی پُرناک گوشش به این حرف‌ها بدهکار نبود و تهدید کرد اگر معترضان سر جایشان ننشینند، همه آن‌ها را از دم تیغ می‌گذراند و طلاهای گنبد مطهر را هم برای منظوری که دارد، غارت خواهد کرد.

■ فرجام جسارت

مرتضی‌قلی مدتی بعد، سپاهی را که با چنین وضعیتی آراسته شده بود، به میدان نبرد فرستاد. نیروهای او با رقبایش در نزدیکی نیشابور روبه‌رو شدند. با اینکه شمار نیروهای پُرناک بیشتر از نیروهای دشمن بود، اما نبرد بر وفق مراد آن‌ها پیش نرفت و شکست سختی خوردند و به سوی مشهد عقب نشستند. ورود لشکر شکست‌خورده مرتضی‌قلی پُرناک به مشهد، شرایط را برای ادامه حضور او بسیار سخت و غیرممکن کرد؛ سربازان از همکاری با او پشیمان بودند و مردم نیز مرتضی‌قلی را فردی می‌دانستند که حرمت حرم ثامن‌الحجج(ع) را نگه نداشته است. به همین دلیل، او هر طور بود با تعدادی از نیروهایش از شهر گریخت تا خودش را به سلطان محمد خدابنده برساند. مرتضی‌قلی که به دلیل رفتار و اقدامش، منفور همه مردم ایران شده بود، دیگر نتوانست موقعیت پیشین را بدست آورد. او در یکی از نبردها، زمانی که در حال فرار بود، به دست تعدادی از سربازان رقیب افتاد و به خاطر جسارتش به حرم رضوی و به کشتن دادن آن همه جوان مشهدی و خراسانی، گردن زده شد.

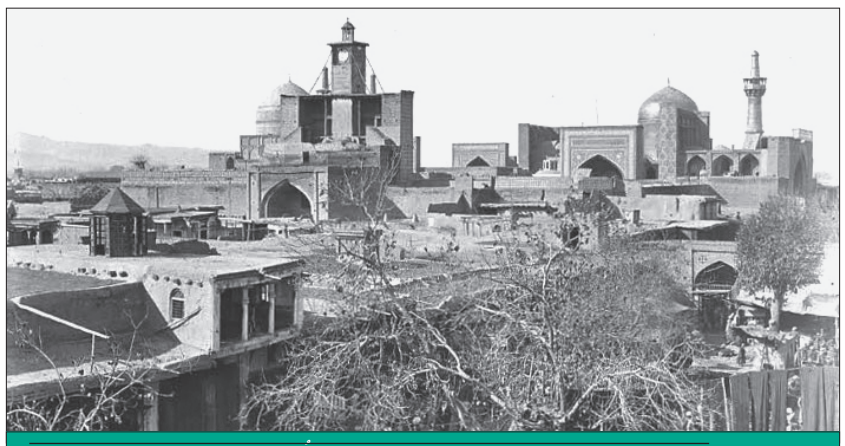

گزیده

با فرا رسیدن سال ۹۵۹ش، بالاخره مرتضی‌قلی پُرناک دوباره بر مشهد مسلط شد و تسمه از گُرده خلق کشید. او به جان زائران و مجاوران حرم رضوی افتاد و دستور داد برای تجهیز قشون، مالیات دوساله را یک جا از مردم بگیرند و از زائرانی که وارد مشهد می‌شوند، عوارض دریافت کنند.

موزه

گشایش نمایشگاه‌های «گنج نظامی» و «نوروزنامه»

همزمان با برگزاری آیین گرامیداشت ولادت امام حسین(ع) در کتابخانه و موزه ملی ملک، نمایشگاه‌های «گنج نظامی» و «نوروزنامه» در این موقوفه فرهنگی آستان قدس رضوی در تهران گشایش یافت.

رونمایی از تقویم قرآنی که تصویرهای آن از آثار نفیس گنجینه مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک گرفته شده از جمله برنامه‌های این مؤسسه بود.

نمایشگاه «نوروزنامه» نیز که دربردارنده نسخه‌های خطی برگزیده و کتاب‌های پژوهشی منتخب موجود در این کتابخانه با محوریت موضوعی نوروز است، در این آیین افتتاح شد.

همچنین در این آیین، نمایشگاه «گنج نظامی» با محوریت نمایش گزیده آثار نفیس حکیم نظامی موجود در گنجینه ملک به عنوان نخستین برنامه از ویژه‌برنامه‌های ستاد بزرگداشت حکیم نظامی که به گونه‌ای فراگیر از ۱۵ تا ۲۱ اسفند ۱۴۰۰ در سراسر کشور برگزار می‌شود، در کتابخانه و موزه ملی ملک گشایش یافت.

۲۴ نسخه خطی، رساله و جُنگ اشعار موجود در مجموعه خطی کتابخانه ملی ملک به نظامی گنجوی، شاعر و داستان‌سرای سده ششم هجری تعلق دارد که این کتابخانه هشت اثر نفیس از خمسه (پنج گنج) حکیم نظامی خود را در راستای همکاری با ستاد بزرگداشت حکیم نظامی و معرفی و ترویج آثار درخشان این شاعر ایرانی برگزیده و در این نمایشگاه با طراحی خاص در معرض دید فرهنگ‌دوستان گذاشته است.

قدمت کتابت قدیمی‌ترین نسخه از آثار نمایشگاه گنج نظامی به دوره تیموری و جدیدترین اثر به سال ۱۲۵۹ هجری قمری (دوره قاجاریه) برمی‌گردد که نشان از ارادت و توجه ایرانیان در طول زمان به آثار این شاعر نامدار پارسی دارد.

خبر

گره‌گشایی‌های کریمانه

بنیاد کرامت رضوی در سال ۱۴۰۰ خدمات گسترده‌ای را به جامعه هدف خود ارائه کرد که بخش مهمی از آن در حوزه جوانان و خانواده بوده و در این بین خدمات قابل توجهی نیز به مجاوران حضرت رضا(ع) ارائه شد؛ از اهدای جهیزیه و پرداخت تسهیلات خرید لوازم ضروری زوج‌های جوان گرفته تا ساخت مسکن و اعطای تسهیلات کارگشایی به خانواده‌های کم‌برخوردار.

اگرچه حمایت مستقیم از نهاد خانواده، مسئولیت و وظیفه رسمی بنیاد کرامت رضوی نیست اما وقتی ارائه خدمات اجتماعی و دست‌گیری از اقشار کم‌بضاعت را هدف خدمت‌رسانی خود تعیین کرده باشی، حتماً بخشی از آن نیز به حوزه خانواده و حمایت از آن اختصاص خواهد یافت. به همین دلیل است که در یک سال اخیر، بخش قابل توجهی از خدمات و حمایت‌های انجام شده توسط مدیریت امور مجاورین معاونت خدمات اجتماعی بنیاد کرامت رضوی به پشتیبانی و حمایت از خانواده‌های محروم و زوج‌های جوان مجاور حضرت اختصاص پیدا کرد.

■ کمک به زوج‌های جوان مشهدی

از جمله طرح‌های مدیریت امور مجاورین، کمک به زوج‌های جوان برای تهیه جهیزیه و تشکیل زندگی مشترک بوده است. بر این اساس برای یاری زوج‌های کم‌بضاعت که در آغاز زندگی مشترک خود توان مالی خرید لوازم ضروری زندگی را ندارند، مدیریت امور مجاورین با شناسایی این گروه‌ها از طریق پایش‌های میدانی خادمیاران در کانون‌های محله‌ای شهر مشهد، از آن‌ها حمایت کرده است. این حمایت‌ها علاوه بر برگزاری جشن در حرم مطهر رضوی، شامل اهدای حواله خرید اقلام ضروری جهیزیه بوده و در طول سال جاری ۲۹۸ سری جهیزیه و اقلام کمک جهیزیه به زوج‌های جوان مشهدی اهدا شده است. علاوه بر این، یکی دیگر از شیوه‌های حمایت مدیریت امور مجاورین بنیاد کرامت رضوی، اعطای تسهیلات خرید جهیزیه به این زوج‌های جوان در شهر مشهد بوده که در این راستا نیز ۶۶۱ فقره وام به ارزش ۳۳ میلیارد ریال به زوج‌های کم‌بضاعت تعلق گرفته است.

یکی دیگر از حمایت‌های این مجموعه از خانواده‌های کم‌برخوردار و آسیب‌دیده از تبعات کرونا، کمک به رونق اشتغال و کسب و کار آن‌ها بوده که در مجموع یک هزار و ۶۹۴ فقره وام کارگشایی به ارزش ۱۷۹ میلیارد و ۶۷۰ میلیون ریال به اقشار کم‌توان اختصاص یافت.

نیمکت زندگی

یک نگاه مهربان ما را بس است

رقیه توسلی | شب شعرهای به درد بخور و باعشق مثل فیلم و تئاتر و موسیقی اصیل، گوشت بدن آدم می‌شود.

نشسته‌ایم توی سالن برگزاری. هشت شاعر آیینی قرار است دل به دلمان بدهند و با مصرع‌های روشن، طنازی قلم و سرمستی نگاهشان بیایند پشت تریبون. آنچنان که سه نفر شعرخوانیشان را کرده‌اند و نوبت رسیده به چهارمین. دست پُر می‌آید. عاقبت به خیر باشد الهی. چنان واژه‌های عمیق چیده پس هم را می‌خواند که بُهتم می‌برد! چنان بی‌غرض، سؤال و جواب می‌کند که به فکر فرو می‌روم! چنان آرام از ادب و خرد و یلی و پهلوانی و آقامنشی می‌گوید که اشکم می‌ریزد! چنان با ارادت می‌بردمان به مدینه و ماه باشکوه شعبان و خانه خانم ام‌البنین که انگار نه انگار سال ۲۶ هجری قمری نیست! چنان با اعتقاد و بی‌ریا یک اسم را صدا می‌زند که هم تحسینش می‌کنم و هم مجاب می‌شوم بروم سروقت شناسنامه عزیزان و اقوامم! بروم ببینم ما کجای کاریم؟ بشمارم توی طایفه‌مان چند اسم «عباس» داریم؟ واقعیتش بعد شعرخوانی این بزرگوار که تمام حضار را به وجد آورده به گمانم ذهن خیلی‌ها مثل من از سالن زده بیرون. رفته دنبال آدم‌هایی که نام بزرگ نصیب و قسمتشان شده. اسم‌هایی که زمین تا آسمان توفیرشان است با اسامی معمولی. شبیه من خیلی‌ها رفته‌اند حال و گذشته را سرچ کنند. دنبال آمار دم‌دستی. همان طور که جناب شاعر گفت؛ دعا کنیم عاشق باشیم/ شبیه مادرانی که جانشان را می‌نامند حسین، عباس... .جست‌وجو و شمارشم را انجام داده‌ام. الحمدلله می‌بینم توی انتخاب شایسته، نمره‌مان بالاست و به راه رفته‌ایم. اما آنچه دمغ و فکری‌ام کرده یک چیز عجیب است. ما توی خاندانمان دلرباترین اسم را نداریم. «عباس» نداریم.

سنجاق

کربلایی و کربلا نرفته ندارد، چقدر این روزها دل همه‌مان بین‌الحرمین می‌خواهد. زیارت از راه نزدیک.

پی‌نوشت

رسول خدا(ص) به حسّان بن ثابت فرمودند: تا زمانی که از اهل بیت(ع) در شعرت دفاع می‌کنی، روح القُدُس با توست.

یادداشت

جانباز است و ازدحام دردها

حمزه واقعی، پژوهشگر ارشد مطالعات میان رشته‌ای | عباس برومند و بلندبالا، اندیشمند و ولایتمدار، پرصلابت و با شکوه را که سلام و درود خداوند بر او باد، هرچور بنویسند پرچم‌داری به او می‌آید. آن قامت‌بلند دانایی که تا همیشه در چشم تاریخ به احترام و تمام‌قد ایستاده است. هزار زخمش می‌زنند اما نمی‌افتد که خداوند همه شهدا را عمود بر آسمان تقدیر فرموده است تا زمین و زمان از هم نپاشد.

جانباز را شرح شهید قرار داده است تا شهادت به همه زبان‌های زنده جهان ترجمه شود و این‌گونه است که تا نام عباس به میان می‌آید، شهادت و جانبازی توأمان معنا می‌یابند و در شکوهی که به هر تکرار، جلالی تازه می‌گیرد ما را به خویش می‌خواند. او پرچمدار است از دیروز تا فردا... و امروز او برای ما و در تعریف قرن چهاردهم، پرچمدار قبیله جانبازان است که در امتحان عشق، در ابتلا به کربلای حسین(ع)، به شهادتِ مدام رسیده‌اند. شهید می‌شوند تا شهادت بماند، چه تا شهادت هست رستگاری هست، فلاح هست، عزت هست و هر چه زیبایی نیز هم. خدا دعای امام روح الله(ره) در حشر با شهدایش را مستجاب فرماید که زیبا گفت و افق را به رویمان گشود تا بدانیم «ملتی که شهادت دارد، اسارت ندارد» از این رو است که باوجود تلاش همه شیاطین و هزینه‌های گزاف استکبار، سر مردم غیرتمند ایران به سرفرازی، همسایه خورشید است و دام‌های شیطان و بندهای استکبار نتوانسته باورمندان به شهادت را به زیر کشد، بلکه هر چه می‌کوشند، زیر پای خودشان خالی‌تر می‌شود.

خبرها همه حاکی از این حقیقت است و خبری که در راه است. خبری که جانبازان با همه زخم‌های خود، صداقت آن را گواهی می‌کنند. خبری که خدا کند در همین تقویم اسلامی، به شکوفه بنشیند تا پرشکوه‌ترین اثر تاریخ رقم خورد. خبری که همه ما را صاحب خبیر و بصیر کند به انتظار قریب ظهور. برای این هم دعا می‌خوانیم و هم به استجابت نفس‌های به درد برآمده جانبازان و مظلومیت سید جانبازان آیت‌الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای و آمین شهدا امید بسته‌ایم. باری، عباس را هر چور بنویسند، پرچم‌داری به او می‌آید و جانباز، در وزش نسیم به این پرچم است که تا قیامت سرفرازی می‌کند. حتی وقتی سر در ازدحام دردها تا مرز انفجار می‌رود.

عید است و نمی‌خواهم از تلخی بگویم، اما ازدحام دردها که بر قلم آمد مرا یاد جانبازان اعصاب و روان انداخت که شرح مرا نه دهانی چنین است و نه قلمی که شرح رشک ملک آن بلند پایگانی که هر روز چند بار شهید می‌شوند، بنگرم؛ پس به همین «الف» بسنده باید کرد.

بشنوند آن هایی که باید و کاری بکنند برای این «عاشورا مردان» که شهادت را معنایی روزآمدانه؛ کاری بکنند برای جانبازان به احترام حضرت عباس(ع).

موعظه

آیت‌الله حائری شیرازی

محبت، واعظ درونی انسان را قوی می‌کند

در خانه‌ای که محبت اهل بیت(ع) باشد، دیگر فرزند انحراف پیدا نمی‌کند. وقتی بچه را به اهل بیت(ع) مرتبط کردید، او محفوظ می‌ماند. ما این گروه‌های ضدانقلاب را دیدیم که اول چیزی که از آن‌ها گرفته بودند، محبت اهل بیت(ع) و گریه بر دشمنانشان را به گریه بیندازید؛ این‌ها نمی‌دانستند این گریه یعنی اتصال به خدا؛ این گریه یعنی فشار قوی؛ این گریه یعنی عظش روح را برطرف کردن؛ این اشکی که انسان می‌ریزد، دلش را سیراب می‌کند. شما وقتی بر اهل بیت(ع) گریه می‌کنید، آن موجود روحانی که در درون شماست و تشنه محبت است، با اشک سیراب می‌شود. چون گریه از روی سوز و محبت و دوستی اهل بیت(ع) است که صورت می‌گیرد. آیا ندیده‌اید اگر مدتی بر اهل بیت(ع) اشک نریزید احساس سنگینی می‌کنید؟ انسان احساس می‌کند از خودش بدش می‌آید؛ احساس می‌کند سنگین شده؛ احساس می‌کند دل او سخت و سیاه شده است. آن موجود روحانی که درون انسان وجود دارد، آن هم آب می‌خواهد؛ آن هم تشنه می‌شود. در اینجا آب تشنگی او را برطرف نمی‌کند، بلکه محبت تشنگی‌اش را برطرف می‌سازد؛ محبت، او را زنده نگه می‌دارد.

نمازی که انسان از سر محبت بخواند، روزه‌ای که از روی محبت بگیرد، کمک کردن به فقیری که از روی محبت باشد، اینکه بیماری را از سر محبت یاری برساند و کارهایی از این قبیل، این‌ها به آن موجود روحانی که درون انسان است انرژی می‌دهد. این کارها بر آن موجود اثر می‌گذارد و او قوت می‌گیرد. وقتی آن موجود درونی قوت گرفت، قوت حرف زدن پیدا می‌کند؛ چشمش نور پیدا می‌کند و می‌تواند ببیند، زبانش قوت پیدا می‌کند و می‌تواند حرف بزند. انسان می‌گوید: «در درون، چه کسی است که با من حرف می‌زند؟» همان کسی که وقتی غیبت می‌کنی، توی دلت می‌گوید: «وای که غیبت شد!» و تو پشیمان می‌شوی. از این جهت کسی که بر اهل بیت(ع) گریه می‌کند، حالت روحانی‌اش قوی می‌شود و او را از درون امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، و این یک واعظ و راهنما و همشنین خوبی برای انسان می‌شود.

گزارش

محمدمهدی اسماعیلی

در آیین اختتامیه سی‌وهشتمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم:

قرآن را در تمامی رشته‌های کاری و هنری سرلوحه قرار دهیم

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر اینکه باید در تمامی رشته‌های کاری و هنری، قرآن را سرلوحه اصلی کار خود قرار دهیم، گفت: انقلاب اسلامی، ایده‌ام است اسلامی را محقق کرد و باید در این مسیر، حرکت نورانی را تداوم بخشید و در این زمینه چاره‌ای جز تمسک به کلام وحی نداریم.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، آیین اختتامیه سی‌وهشتمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، هفتمین دوره مسابقات دانش‌آموزان جهان اسلام و پنجمین دوره مسابقات نابینایان جهان اسلام، شب ۱۴ اسفندماه با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین سید مهدی خاموشی رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه و محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه هنری برگزار شد و برگزیدگان این دوره از مسابقات معرفی شدند. مراسم با تلاوت هادی موحدامین، حائز رتبه نخست رشته قرائت آغاز شد. در ادامه حجت‌الاسلام سیدمهدی خاموشی، رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه ضمن خیر مقدم به حاضران گفت: امسال به دو نیمه شعبان منور شد و ما دو شعبان را درک کردیم. ان شاءالله ما و کشورهای اسلامی دانش، بینش و بصیرت را درک کرده و خود را به بینش قرآنی نزدیک نماییم.

وی با بیان اینکه «یاست محترم جمهور قصد حضور در این مراسم را داشتند، گویا برای ایشان عارضه‌ای پیش آمده به همین دلیل در مراسم اختتامیه حضور نیافتند، اظهار کرد: سی‌وهشتمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم را شبکه‌های متعدد داخلی و خارجی پوشش داده‌اند. رقابت‌ها در شبکه‌های اجتماعی ۴۵ میلیون و در شبکه شاد، ۲۰ میلیون بازدیدکننده داشت.

وی با بیان اینکه «برای برگزاری با کیفیت‌تر مسابقات از ظرفیت وزارت خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات و جامعة‌المصطفی(ص) العالمیه استفاده شد. افزود: مسابقات ایران تنها مسابقه‌ای است که در این دو سال شرایط کرونایی جهان به این سبک برگزار می‌شود و سایر مسابقات قرآن یا تعطیل و یا تعلیق شده است.

■ برای تحقق امت اسلامی چاره‌ای جز تمسک به قرآن نداریم

در ادامه، محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به امکاناتی که در اختیار این نهاد قرار دارد، گفت: هزاران بقعه در کشور در کنار کانون‌های فرهنگی مساجد، مدارس و دانشگاه‌ها و ۲ هزار و ۵۰۰ مؤسسه فرهنگی در کشور که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز فعالیتشان را دریافت کردند، هزاران مدرسه در مقاطع مختلف از کودکستان‌ها گرفته تا دوره‌های پایانی دبیرستان در کشور فعالیت می‌کنند. این‌ها شبکه بزرگی را تشکیل می‌دهند که باید در کنار یکدیگر به ترویج و اشاعه فرهنگ قرآنی بپردازند.

وی اظهار کرد: اگر در حوزه سینمای کشور با حد مطلوب و موردنظر فاصله داریم، باید در جشنواره‌ها به فیلم‌هایی با موضوع ترویج و اشاعه فرهنگ قرآنی پرداخته شود.

اسماعیلی با اشاره به شعار این جشنواره قرآنی با عنوان «یک کتاب، یک امت»، افزود: به معنای واقعی اگر به حبل‌المتین قرآن و عروة‌الوثقی متمسک شویم، یک امت بزرگ را خواهیم داشت. انقلاب اسلامی، ایده امت اسلامی را محقق کرد و باید در این مسیر، حرکت نورانی را تداوم بخشید و در این زمینه چاره‌ای جز تمسک به قرآن نداریم. باید در تمامی رشته‌های کاری و هنری، قرآن را سرلوحه اصلی کار خود قرار دهیم.

وی عنوان کرد: قرار بود ریاست جمهوری در مراسم اختتامیه مسابقات بین‌المللی قرآن کریم حاضر شوند اما به دلیل خستگی ناشی از سفر و کارهای روزمره‌ای که تا پاسی از شب انجام می‌دهند، نتوانستند در این مراسم حاضر شوند. سلامشان را به شما حاضران در جمع می‌رسانم.

خبر

با هدف پاسخگویی به شبهات عاشورایی

جشنواره «انا من حسین» کلید خورد

نشست خبری جشنواره «انا من حسین» با حضور آیت‌الله اختری رئیس بنیاد بین‌المللی عاشورا و حجت‌الاسلام حسینی عارف دبیر جشنواره در حوزه هنری برگزار شد. به گزارش خبرگزاری فارس، در این مراسم حسینی عارف، دبیر جشنواره در سخنانی با اشاره به برگزاری دومین دوره جشنواره گفت: دوره نخست در سال‌های ۹۳ و ۹۴ با عنوان پیامبر اعظم(ص) برگزار شد. آن زمان به دلیل اهانت به ساحت پیامبر(ص) جشنواره کلید خورد و با استقبال هنرمندان روبه‌رو شد. وی ادامه داد: در دو نخست ۹۰۰ اثر به دست ما رسید که بسیاری از فیلمسازان جوانی که در جشنواره حضور پیدا کردند بعدها به عنوان برگزیدگان جشنواره فیلم فجر معرفی شدند. حسینی عارف درباره اهداف جشنواره گفت: در ادیان مختلف به امام حسین(ع) و عاشورا توجه دارند و شاهد هستیم در راهپیمایی اربعین از همه ادیان، مذاهب و ملیت‌ها حضور پیدا می‌کند، پس لازم است فرهنگ حسینی را به غیرمسلمانان و غیرشیعیان به‌خوبی معرفی کنیم.

■ معرفی مکتب عاشورا و قیام امام حسین(ع) از اهداف مؤسسه عاشوراست

در ادامه آیت‌الله اختری رئیس بنیاد بین‌المللی عاشورا در سخنانی با تبریک ایام جشن‌های شعبانیه به‌خصوص میلاد امام حسین(ع) گفت: فراخوان جشنواره «انا من حسین» از امروز اعلام شده و امیدواریم بتوانیم جشنواره را در حد توان به‌خوبی برگزار و زمینه را به وجود آوریم که از استعدادها و هنرمندی‌ها و ذوق و سلیقه‌های مختلف و متعدد در جهان بهره‌مند شویم. وی درخصوص بنیاد بین‌المللی عاشورا گفت: این بنیاد، مؤسسه‌ای بین‌المللی و خصوصی است که با هدف معرفی مکتب امام حسین و عاشورا و منافع و اهداف قیام عاشورا و نقش و تأثیر امام حسین(ع) در جامعه امروزی راه‌اندازی شده است. اختری ادامه داد: معرفی مکتب عاشورا و امام حسین(ع) به غیرمسلمانان از دیگر اهداف ماست و باید تلاش کنیم بزرگان اسلام را به‌خوبی به جهانیان معرفی نماییم. رئیس بنیاد بین‌المللی عاشورا درباره نام‌گذاری این جشنواره گفت: عنوان «انا من حسین» از زبان پیامبر(ص) بارها مطرح شده و در روایات بزرگان شیعه و سنی هم مورد تأیید است. همچنین سیره امام حسین(ع) ابعاد مختلفی دارد که مورد توجه قرار نگرفته و شاهد هستیم برخی از دشمنان اهل بیت(ع) با بیان انتقادات بی‌پایه و شبهه‌افکنی‌ها در حقایق اسلام و عاشورا تردید به وجود می‌آورند، در این شرایط یکی از وظایف ما پاسخ به این شبهات و روشنگری در این زمینه است.

■ بخش‌ها و شاخه‌های جشنواره «انا من حسین»

در ادامه حسینی عارف در خصوص بخش‌های جشنواره گفت: این جشنواره در بخش‌های سینمایی، کتاب، شعر، فضای مجازی و ایده‌های خاص برگزار می‌شود که برای هرکدام از این بخش‌ها شاخه‌های مختلفی در نظر گرفته شده و برگزیدگان هر شاخه در پایان معرفی و تجلیل می‌شوند. وی ادامه داد: علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به پایگاه بنیاد عاشورا و یا خبرگزاری ایبنا برای کسب اطلاعات بیشتر و یا نام‌نویسی در جشنواره اقدام کنند. در انتهای برنامه از پوستر جشنواره بین‌المللی «انا من حسین» رونمایی شد.

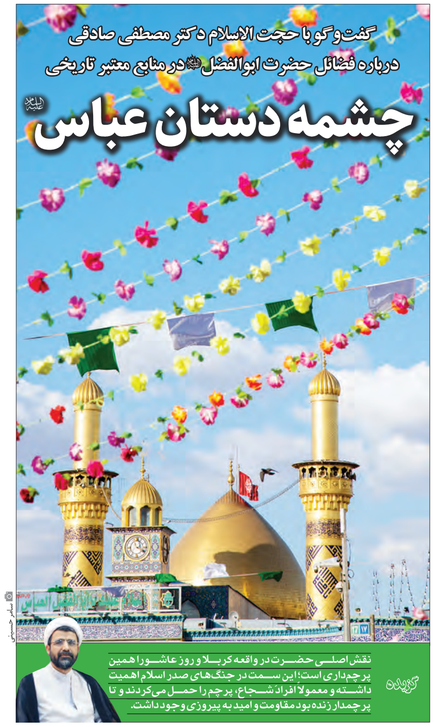

دیدگاه

حجت‌الاسلام والمسلمین خسروپناه مطرح کرد

چالش اساسی در بحران جمعیت، مسئله حکمرانی است

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه در گفت‌وگو با اندیشکده حکمرانی دینی درباره موضوع جمعیت به ریشه بحران جمعیت اشاره و تأکید کرد: چالش اساسی در این بحران، مسئله حکمرانی جمعیت است. همچنین فقدان فقه حکمرانی مسئله‌ای است که باید با همت حوزه علمیه برطرف شود. مشروح این گفت‌وگو را به گزارش پایگاه خبری - تحلیلی مفتاح علوم انسانی اسلامی از نظر می‌گذرانید.

حجت‌الاسلام خسروپناه تصریح کرد: چالش اساسی موضوع جمعیت، نه فرهنگی است و نه اقتصادی، بلکه حکمرانی است. ما در موضوع حکمرانی جمعیت جمعیت هستیم و اینکه رهبر معظم انقلاب در راستای افزایش جمعیت توصیه می‌کنند، تازه آغازه راست و داستان با این توصیه‌ها تمام نمی‌شود. وی افزود: برای مثال به عقیده کارشناسان انقلابی، با وجود ضعفی که در موضوع حکمرانی غذایی داریم و با وضعیت تغذیه که جهاد کشاورزی دنبال می‌کند ما فقط می‌توانیم ۵۰ تا ۶۰ میلیون جمعیت را تأمین کنیم. اگر وضعیت امنیت غذایی کشور اصلاح نشود و موضوعات مختلف کشاورزی و دام و طیور ساماندهی پیدا نکند، در آینده با بحران مواجه خواهیم شد؛ اما اگر حکمرانی امنیت غذایی شکل بگیرد و اصلاحاتی در سیاست گذاری و تنظیم‌گری و خدمات عمومی صورت پذیرد، این ظرفیت در ایران وجود دارد که حتی تا ۲۰۰ میلیون جمعیت را نیز تأمین کنیم. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: اینکه چالش جمعیت را به عامل فرهنگی یا اقتصادی منحصر کنیم غلط انداز است؛ زیرا ممکن است عده‌ای بگویند مشکل فرهنگی است و جوان‌ها علاقه‌ای به ازدواج و تعدد فرزند ندارند؛ یا مثلاً عده‌ای بگویند شغل و کار مناسب وجود ندارد؛ اما در اصل ریشه این دو عامل یعنی فرهنگی و اقتصادی، موضوع حکمرانی است؛ یعنی ما حکمرانی جمعیت نداریم. وی اضافه کرد: حکمرانی عبارت است از سیاست گذاری، تنظیم‌گری و خدمات عمومی؛ ما این سه حوزه را نداریم. حتی در مسئله اشتغال که عده‌ای آن را در بحث جمعیت به عنوان عامل مهم مطرح می‌کنند مثلاً اگر فردی مجموعه‌ای تولیدی راه‌اندازی کرد و قصد جذب کارگر داشت، قانون کار مشخص می‌کند چه میزان حقوق باید به کارگر پرداخت شود و اگر کارفرما مدعی شود با وضع تولید فعلی نمی‌تواند این حقوق را پرداخت کند قانون به او می‌گوید کارگر و کارمند نگیر؛ این یعنی تولیدی را تعطیل کن!

استاد خسروپناه اظهار کرد: این در حالی است که در کشور آلمان اگر کارخانه‌ای نتواند میزان حقوق تعیین شده توسط دولت را پرداخت کند، دولت اجازه شروع کار را می‌دهد و بقیه مبلغ حقوق کارگر را خود پرداخت می‌کند؛ به این دلیل که هم کارفرما تولید کار داشته باشد و هم کارگر منبع درآمد؛ اما نتیجه قانون کار در ایران تعطیل کردن کارخانه و تعطیلی اشتغال و بیکاری بیشتر است. این مثال‌ها نشان‌دهنده نداشتن حکمرانی در کشور ماست؛ بنابراین به نظر بنده بحث جمعیت باید با نگاه حکمرانی حل شود. وی بیان کرد: نکته بعدی این است که ما در حوزه، فقه حکمرانی جمعیت نداریم؛ حوزه علمیه باید پشتیبانی فقهی و حکمی نظام را تأمین کند. وقتی اسلام این میزان به جمعیت و نیروی انسانی و قوام خانواده تأکید دارد، پس این یک مقوله جدی است و فقها نمی‌توانند به این مسئله توجه نداشته باشند.

خسروپناه افزود: فقیه باید موضوع‌شناسی کند ولو از کارشناسان و متخصصان کمک بگیرد. به نظر بنده موضوع جمعیت برای خیلی از فقها روشن نیست؛ این درحالی است که در آینده نزدیکی با مسئله بحران جمعیت مواجه خواهیم شد که در آن زمان جمعیت پیر و فرسوده و بازنشسته می‌شود. البته ستاد ملی جمعیت را اندازی شده است؛ اما به نظر بنده به مسئله جمعیت نگاه حکمرانی نشده و حوزه به توجه به مسئولیتی که در تبیین و ترویج حکمت و فقاهت دارد باید به این مقوله نیز بپردازد.

نریبة دینیة

درسی از مکتب امام حسین(ع) در قبال خانواده

حجت‌الاسلام سیدمهدی واعظ موسوی در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم به مناسبت ایام میلاد امام حسین(ع) عدالت‌طلبی را یکی از خصیصه‌های مکتب حسینی معرفی کرد و گفت: یکی از درس‌های این مکتب، عدالت‌طلبی به معنای فاصله‌گیری از ظلم و ستم بود. ایشان به‌قدری به این موضوع تقید داشت که حتی ذره‌ای به دشمن خود ستم روا نمی‌داشت بلکه سعی کرد آن‌ها را به مسیر عدالت بیاورد.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ لا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلی أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوی»؛ نباید دشمنی با گروهی، شما را بر آن دارد که عدالت نورزید. بنابراین یکی از هنرهای ما این است که هیچ‌گاه و در هیچ شرایطی از عدالت فاصله نگیریم تا شائبه ظلم در ما ایجاد نشود.

وی افزود: در این راستا موضوع مهم دیگر این است که امام حسین مظلومی است که خود ظالم نیست. گاهی اوقات ممکن است حقی از ما ضایع شود و دریک جریانی مظلوم واقع شویم و خود را مظلوم قلمداد کنیم، اما در عرصه‌ای دیگر مشغول ظلم به دیگری باشیم. زیاد دیدیم عده‌ای ندای مظلومیت در جهان سر می‌دهند و مرگ بر آمریکا و اسرائیل هم می‌گویند، اما در برخورد با اطرافیان، بسیار ظلم روا می‌دارند.

نه دوستان و نه خانواده از ظلم‌های او گریزی ندارند جز اینکه خون دل بخورند. امام این تضاد را نداشت که دیدنی و نماد یک مظلوم حقیقی شد. همگان امام را برای خود می‌دانند و برای ایشان مرز دینی قائل نیستند. ایشان بر دل‌ها نشست تا حدی که یک مسیحی، یهودی یا بودایی آن نیست و بر همه آشکار است که چگونه در صف خاندان پیامبر ایستاده‌اند و ایستادگی کردند.

■ در برخی از منابع آمده حضرت علی(ع) پیش از شهادت، به حضرت عباس(ع) وصیت فرمودند امام حسین(ع) را در صحرای کربلا تنها نگذارند. همچنین آن حضرت را علمدار سپاه امام حسین(ع) در کربلا دانسته‌اند. این مطالب چقدر با حقایق تاریخی همخوانی دارد؟

این مطلب که امیرالمؤمنین(ع) به حضرت عباس وصیت کرده باشند در کربلا همراه امام حسین(ع) باشند را در کتب کهن و معتبر ندیده‌ام و گمان می‌کنم جزو ادبیات متأخر و معاصر باشد که به دلایل عاطفی و برای پیوند دادن رابطه آن حضرت با برادرش مطرح کرده‌اند. همراهی حضرت ابوالفضل العباس(ع) با برادرش که امام معصوم زمان ایشان بود نیازی به توصیه نداشت و مقام آن حضرت به‌گونه‌ای بود که تشخیص دهد باوجود داشتن فامیل درصف دشمن و امان دادن به او، باز هم به برادر وفادار بماند و جان خود را در کف نهد. چنان‌که در شب عاشورا نخستین کسی که اعلام وفاداری کرد ایشان بود.

علمدار و پرچمدار بودن حضرت عباس(ع) درست است. نقش اصلی حضرت در واقعه کربلا و روز عاشورا همین پرچم‌داری است؛ این سمت در جنگ‌های صدر اسلام اهمیت داشته و معمولاً افراد شجاع، پرچم را حمل می‌کردند و تا پرچمدار زنده بود مقاومت و امید به پیروزی وجود داشت. از این رو مسئولیت حضرت ابوالفضل برای سپاه کوچک کربلا مهم‌بود. در لحظات آخر هم به همراه امام حسین(ع) به سمت شریعه رفتند تا شاید آبی تهیه کنند ولی موفق نشدند چون دشمن، حضرت عباس(ع) را از بدن جدا کرد و ایشان را به شهادت رساند و امام تنها به خیمه‌گاه بازگشتند.

■ اتفاقاً در منابر و مجالس عزاداری حضرت سیدالشهدا(ع) بیشتر به سقایی حضرت عباس(ع) برای کاروان امام حسین(ع) و جانبازی و شهادت ایشان در این راه پرداخته می‌شود. چه جنبه‌هایی از وجود آن حضرت برای شیعیان ناشناخته مانده و می‌تواند به عنوان الگو معرفی شود؟

به نظرم جنبه مهم عملکرد حضرت ابوالفضل(ع) که گاهی در لابه‌لای عزاداری‌ها و سقایی آن حضرت مورد غفلت قرار می‌گیرد، توانایی تشخیص راه خدا و گزینش مسیر درست در دوراهی ماندن یعنی راحت‌طلبی یا رفتن یعنی مبارزه با ظلم و جهل و ماندن در کنار امام حسین(ع) است. امام شمر بن ذی‌الجوشن که نسبتی از طرف مادر با فرزندان ام‌البنین داشت می‌توانست عباس و سه برادرش را از صحنه خطری که در انتظار یاران امام حسین(ع) بود خارج کند؛ اما حضرت عباس(ع) با صراحت اعلام کردند وقتی فرزند رسول الله(ص) امنیت ندارد ما هم امان را نمی‌پذیریم. از این حرکت درس‌های اخلاقی بسیاری می‌توان گرفت که یکی از آن‌ها به فکر دیگران بودن و فقط خود را ندیدن است. ما در زندگی اجتماعی چه اندازه به فکر دیگران هستیم؟ چقدر خودخواهی و بی‌توجهی به دیگران در زندگی ما وجود دارد؟ این‌ها برای ما پر از آموزه است.

■ حضرت عباس(ع) جایگاه بسیار والایی در میان شیعیان دارند ولی گاهی در منابع تاریخی متأخر و محافل عزاداری شهدای کربلا، شاهد برخی تحریفات و مطالب مبالغه‌آمیز در بیان فضائل آن حضرت هستیم. دلیل این مسئله چیست؟

محبت به هر کسی که باعث سبب نقل مطالبی غلوآمیز یا نادرست درباره او می‌شود. عظمت شخصیت حضرت ابوالفضل(ع)، مقام رفیع و ویژگی‌هایی چون شجاعت ایشان سبب شده مطالبی در برخی کتاب‌ها گفته شود که با روایات صحیح تاریخی سازگاری ندارد. مثلاً حضور آن حضرت در جنگ صفین در زمان پدرش و مبارزه با افرادی که نام آنان نیز به اشتباه آمده است و یا خطبه برپام کعبه که هیچ منبع معتبری آن را تأیید نمی‌کند و در برخی کتب معاصر آمده یا مبالغه دشمن که آمارهایی کاملاً نادرست است، یا کوچک دانستن قبر آن حضرت به دلیل قطعه‌قطعه شدن پیکر مطهر ایشان پس از شهادت، تنها بخشی از تحریفات درباره این امامزاده عظیم‌الشأن است که مردود دانستن آن‌ها ذره‌ای از مقام و بزرگی ایشان نمی‌کاهد.

عظمت شخصیت حضرت ابوالفضل(ع)، مقام رفیع و ویژگی‌هایی چون شجاعت ایشان سبب شده مطالبی در برخی کتاب‌ها گفته شود که با روایات صحیح تاریخی سازگاری ندارد. مثلاً حضور آن حضرت در جنگ صفین در زمان پدرش و مبارزه با افرادی که نام آنان نیز به اشتباه آمده است و یا خطبه برپام کعبه که هیچ منبع معتبری آن را تأیید نمی‌کند و در برخی کتب معاصر آمده یا مبالغه دشمن که آمارهایی کاملاً نادرست است، یا کوچک دانستن قبر آن حضرت به دلیل قطعه‌قطعه شدن پیکر مطهر ایشان پس از شهادت، تنها بخشی از تحریفات درباره این امامزاده عظیم‌الشأن است که مردود دانستن آن‌ها ذره‌ای از مقام و بزرگی ایشان نمی‌کاهد.

برش گفت‌وگو

بخشی از تحریفات درباره حضرت عباس(ع)

حجت‌الاسلام سیدمهدی واعظ موسوی در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم به مناسبت ایام میلاد امام حسین(ع) عدالت‌طلبی را یکی از خصیصه‌های مکتب حسینی معرفی کرد و گفت: یکی از درس‌های این مکتب، عدالت‌طلبی به معنای فاصله‌گیری از ظلم و ستم بود. ایشان به‌قدری به این موضوع تقید داشت که حتی ذره‌ای به دشمن خود ستم روا نمی‌داشت بلکه سعی کرد آن‌ها را به مسیر عدالت بیاورد.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ لا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلی أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوی»؛ نباید دشمنی با گروهی، شما را بر آن دارد که عدالت نورزید. بنابراین یکی از هنرهای ما این است که هیچ‌گاه و در هیچ شرایطی از عدالت فاصله نگیریم تا شائبه ظلم در ما ایجاد نشود.

وی افزود: در این راستا موضوع مهم دیگر این است که امام حسین مظلومی است که خود ظالم نیست. گاهی اوقات ممکن است حقی از ما ضایع شود و دریک جریانی مظلوم واقع شویم و خود را مظلوم قلمداد کنیم، اما در عرصه‌ای دیگر مشغول ظلم به دیگری باشیم. زیاد دیدیم عده‌ای ندای مظلومیت در جهان سر می‌دهند و مرگ بر آمریکا و اسرائیل هم می‌گویند، اما در برخورد با اطرافیان، بسیار ظلم روا می‌دارند.

نه دوستان و نه خانواده از ظلم‌های او گریزی ندارند جز اینکه خون دل بخورند. امام این تضاد را نداشت که دیدنی و نماد یک مظلوم حقیقی شد. همگان امام را برای خود می‌دانند و برای ایشان مرز دینی قائل نیستند. ایشان بر دل‌ها نشست تا حدی که یک مسیحی، یهودی یا بودایی آن نیست و بر همه آشکار است که چگونه در صف خاندان پیامبر ایستادند و ایستادگی کردند.

■ در برخی از منابع آمده حضرت علی(ع) پیش از شهادت، به حضرت عباس(ع) وصیت فرمودند امام حسین(ع) را در صحرای کربلا تنها نگذارند. همچنین آن حضرت را علمدار سپاه امام حسین(ع) در کربلا دانسته‌اند. این مطالب چقدر با حقایق تاریخی همخوانی دارد؟

این مطلب که امیرالمؤمنین(ع) به حضرت عباس وصیت کرده باشند در کربلا همراه امام حسین(ع) باشند را در کتب کهن و معتبر ندیده‌ام و گمان می‌کنم جزو ادبیات متأخر و معاصر باشد که به دلایل عاطفی و برای پیوند دادن رابطه آن حضرت با برادرش مطرح کرده‌اند. همراهی حضرت ابوالفضل العباس(ع) با برادرش که امام معصوم زمان ایشان بود نیازی به توصیه نداشت و مقام آن حضرت به‌گونه‌ای بود که تشخیص دهد باوجود داشتن فامیل درصف دشمن و امان دادن به او، باز هم به برادر وفادار بماند و جان خود را در کف نهد. چنان‌که در شب عاشورا نخستین کسی که اعلام وفاداری کرد ایشان بود.

علمدار و پرچمدار بودن حضرت عباس(ع) درست است. نقش اصلی حضرت در واقعه کربلا و روز عاشورا همین پرچم‌داری است؛ این سمت در جنگ‌های صدر اسلام اهمیت داشته و معمولاً افراد شجاع، پرچم را حمل می‌کردند و تا پرچمدار زنده بود مقاومت و امید به پیروزی وجود داشت. از این رو مسئولیت حضرت ابوالفضل برای سپاه کوچک کربلا مهم‌بود. در لحظات آخر هم به همراه امام حسین(ع) به سمت شریعه رفتند تا شاید آبی تهیه کنند ولی موفق نشدند چون دشمن، حضرت عباس(ع) را از بدن جدا کرد و ایشان را به شهادت رساند و امام تنها به خیمه‌گاه بازگشتند.

■ اتفاقاً در منابر و مجالس عزاداری حضرت سیدالشهدا(ع) بیشتر به سقایی حضرت عباس(ع) برای کاروان امام حسین(ع) و جانبازی و شهادت ایشان در این راه پرداخته می‌شود. چه جنبه‌هایی از وجود آن حضرت برای شیعیان ناشناخته مانده و می‌تواند به عنوان الگو معرفی شود؟

به نظرم جنبه مهم عملکرد حضرت ابوالفضل(ع) که گاهی در لابه‌لای عزاداری‌ها و سقایی آن حضرت مورد غفلت قرار می‌گیرد، توانایی تشخیص راه خدا و گزینش مسیر درست در دوراهی ماندن یعنی راحت‌طلبی یا رفتن یعنی مبارزه با ظلم و جهل و ماندن در کنار امام حسین(ع) است. خبری که جانبازان با همه زخم‌های خود، صداقت آن را گواهی می‌کنند. خبری که خدا کند در همین تقویم اسلامی، به شکوفه بنشیند تا پرشکوه‌ترین اثر تاریخ رقم خورد. خبری که همه ما را صاحب خبیر و بصیر کند به انتظار قریب ظهور. برای این هم دعا می‌خوانیم و هم به استجابت نفس‌های به درد برآمده جانبازان و مظلومیت سید جانبازان آیت‌الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای و آمین شهدا امید بسته‌ایم. باری، عباس را هر چور بنویسند، پرچم‌داری به او می‌آید و جانباز، در وزش نسیم به این پرچم است که تا قیامت سرفرازی می‌کند. حتی وقتی سر در ازدحام دردها تا مرز انفجار می‌رود.

عید است و نمی‌خواهم از تلخی بگویم، اما ازدحام دردها که بر قلم آمد مرا یاد جانبازان اعصاب و روان انداخت که شرح مرا نه دهانی چنین است و نه قلمی که شرح رشک ملک آن بلند پایگانی که هر روز چند بار شهید می‌شوند، بنگرم؛ پس به همین «الف» بسنده باید کرد.

بشنوند آن هایی که باید و کاری بکنند برای این «عاشورا مردان» که شهادت را معنایی روزآمدانه؛ کاری بکنند برای جانبازان به احترام حضرت عباس(ع).

برش گفت‌وگو

شاخصه‌هایی برای الگوپذیری

به نظرم جنبه مهم عملکرد حضرت ابوالفضل(ع) که گاهی در لابه‌لای عزاداری‌ها و پرداختن به شجاعت و سقایی آن حضرت مورد غفلت قرار می‌گیرد، توانایی تشخیص راه خدا و گزینش مسیر درست در دوراهی ماندن یعنی راحت‌طلبی یا رفتن یعنی مبارزه با ظلم و جهل و ماندن در کنار امام حسین(ع) است. امان شمر بن ذی‌الجوشن که نسبتی از طرف مادر با فرزندان ام‌البنین داشت می‌توانست عباس و سه برادرش را از صحنه خطری که در انتظار یاران امام حسین(ع) بود خارج کند؛ اما حضرت عباس(ع) با صراحت اعلام کردند وقتی فرزند رسول الله(ص) امنیت ندارد ما هم امان را نمی‌پذیریم.

عمّوی ما عبّاس، دارای بینشی ژرف و ایمانی راسخ بود؛ همراه با اباعبدالله جهاد کرد و نیک آزمایش داد و به شهادت رسید.

ان للعباس عند الله منزلة یغبطه بها جمیع الشهداء یوم القیامة

عبّاس را نزد خداوند منزلتی است که در روز قیامت همه شهیدان بر آن رشک می برند.

تازه‌های نشر

کتاب «نجوای عارفانه؛ شرح مناجات شعبانیه» به چاپ دوم رسید

چاپ دوم کتاب «نجوای عارفانه؛ شرح مناجات شعبانیه» اثر محمدباقر تحریری به همت مؤسسه بوستان کتاب روانه بازار نشر شد.

به گزارش روابط عمومی مؤسسه بوستان کتاب، «نجوای عارفانه؛ شرح م

من اتقی الله یتقی و اطاع الله یطاع

هر کس حریم خدا را حفظ کند، حرمتش حفظ می شود و هر کس خدا را اطاعت کند، اطاعت می شود.

خبر امروز

۸ مأموریت برای شرکت‌های بنیاد بهره‌وری موقوفات

رئیس بنیاد بهره‌وری موقوفات آستان قدس رضوی، هشت مأموریت به معاون جدید امور شرکت‌های این بنیاد ابلاغ کرد.
با حکم مالک رحمتی، سیدمهدی طالبیان به عنوان معاون جدید امور شرکت‌ها در این بنیاد منصوب و مسئول انجام هشت مأموریت شد.
«افزایش بهره‌وری منابع در اختیار شرکت‌ها»، «تلاش در جهت افزایش سهم آستان قدس رضوی در اقتصاد دانش‌بنیان با خلق و راهبری زیست‌بوم‌های نوین اقتصادی» و «جلب مشارکت‌های مردمی به صورت فعالانه برای تحقق اقتصاد مردمی» از مأموریت‌های محوله به طالبیان است.
در حکم انتصاب معاون امور شرکت‌های بنیاد بهره‌وری موقوفات آستان قدس رضوی همچنین بر «افزایش شفافیت در عملکرد»، «مدیریت و نظارت بر تحول فناورانه شرکت‌ها»، «اجرای برنامه‌های راهبردی و پروژه‌های شرکت‌ها برای دستیابی به منابع پایدار»، «ایجاد زنجیره‌های ارزش و مدیریت زنجیره کامل محصولات و خدمات» و «هماهنگی تخصصی بین شرکت‌ها» تأکید شده است.

کتاب خوانی

منبع مطالعاتی برای روشندلان

کتابخانه گویای رضوی در سال ۱۴۰۰ حدود ۶۵۰ منبع مطالعاتی را برای روشندلان به سراسر کشور ارسال کرد.

مصطفی سلطانی؛ کارشناس کتابخانه گویای رضوی با اشاره به گستره فعالیت‌های کتابخانه گویای رضوی، خدمات این مجموعه را قابل ارائه برای روشندلان در سراسر کشور عنوان کرد.

وی به همکاری و تعامل کتابخانه گویای رضوی و سایر انجمن‌های نابینایان در کشور اشاره کرد و تأمین منابع درخواستی نابینایان و همچنین ارسال منابع مورد نیاز به سایر مراکز درخواست‌کننده را نتیجه این تعامل برشمرد. این کارشناس با اشاره به توسعه فعالیت‌های این مرکز در ایام کرونا، از به‌روزرسانی وب‌سایت کتابخانه گویای رضوی خبر داد.

پای صحبت پزشک جانبازی که ۲۰ سال است در دارالشفاء خدمت می کند

«جانبازی» فرصتی برای دریافت رحمت الهی

محمد حسین مروج

به مناسبت روز جانباز در فضایی دوستانه، پای صحبت‌های بی‌ریا و دوست‌داشتنی «دکتر هوشنگ بزرگی» جانباز و پزشک متخصص دارالشفاء امام (ع) نشسته‌ایم. بزرگی ۵۷ ساله و پزشک متخصص پوست است. بخش‌هایی از این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

■ روز اول جانبازی

من متولد شهرستان بابل هستم و در تاریخ بیست و پنجم بهمن ماه ۱۳۶۳ در سن ۲۰سالگی در نبرد با گروهک‌های ضدانقلاب در منطقه عملیاتی موسوم به مثلث «مهاباد- بوکان- میاندوآب» در استان آذربایجان غربی با اصابت گلوله مستقیم مجروح شدم. دوستان و همرزمانم برایم تعریف کردند در حالت بیهوشی به بیمارستان امام خمینی(ره) شهر تبریز منتقل شدم. خوب به خاطر دارم وقتی در بیمارستان و پس از عمل جراحی به هوش آمدم احساس کردم دست‌ها، پاها، انگشتان، سر، چشم‌ها، گوش‌ها و خلاصه بدنم صحیح و سالم است... متوجه نبودم دچار چه نوع مجروحیتی شده‌ام. فقط می‌دیدم که شیلنگ و لوله‌ای برای تخلیه خون به یک طرف پهلوی من آویزان است و یک کیسه سرم و خون هم از طرف دیگر به بدنم وصل شده است. با خودم گفتم من که همه اعضای بدنم صحیح و سالم است، اینجا چه می‌کنم؟ همان روز پزشک جراح و معالج به بالین من آمد و احساس کردم مطلبی را می‌خواهد به من بگوید، اما وسط حرف‌هایش گاهی مکث و بعد سکوت می‌کند.
دلم را به دریا زدم و گفتم: «آقای دکتر، اگر مطلبی هست بدون خجالت، رک و راست به من بگویید، من چه کارم شده است؟ خودم بعداً به همراهان و خانواده‌ام می‌گویم». دکتر با لبخند گفت: به لطف خدا از خطر مرگ نجات پیدا کردی، اما به علت اصابت مستقیم گلوله به ناحیه نخاع، فعلاً پاهایت بی‌حس و بی‌حرکت هستند و این حالت ممکن است، یک ماه، دو ماه، ۶ماه، یک سال، دو سال و یا بیشتر طول بکشد. پس از شنیدن این حرف، نخستین جمله‌ای که به او گفتم، ذکر شریف «الحمدلله» بود... این پزشک معالج انگار که یک بار سنگین و یک مسئولیت بزرگی را از روی دوشش برداشته باشند، نفس راحتی کشید و با لبخند صورتم را بوسید.

■ جانباز با خداوند معامله می‌کند

سرور و سالار همه جانبازان حقیقی و واقعی، آقا حضرت قمر بنی هاشم، ابوالفضل العباس(ع) است که ایشان مظهر اخلاص، وفاداری و جانبازی واقعی در تمام تاریخ بشریت تا روز قیامت هستند. البته من خودم را لایق عنوان «جانبازی» نمی‌دانم، اما به نظر من عنوان «جانباز» یک اصطلاح توصیفی از طرف افراد جامعه برای تکریم و بزرگداشت دلاوری‌ها و از خودگذشتگی انسان‌هایی است که در راه خدا قیام کرده و در اثر حملات دشمنان به افتخار مجروحیت یا معلولیت نائل شده و این توصیف بیانگر همین خصوصیات در افراد ذکر شده است. هر چند باید توجه داشته باشیم که همراه با این توصیف و تعبیری که دیگران از جانبازان دارند، مسئولیت‌ها و تکالیف سنگینی هم بر عهده و دوش جانبازان است که علاوه بر صبر و تحمل و بردباری رنج‌ها و مشکلات و سختی‌های جانبازی، باید به این تکالیف و مسئولیت‌ها هم توجه اساسی داشته باشند و آن حفظ این حالت‌ها و توصیف‌ها برای رضایت و خشنودی خداوند است. جانبازی، فرصتی برای دریافت رحمت الهی است که جانبازان باید قدرش را بدانند. جانباز با خدا معامله می‌کند. اصولاً زندگی زمانی ارزش و معنا دارد که در راه رضایت پروردگار باشد. هدف نهایی رضایت الهی است و این میسر نمی‌شود مگر از طریق خشنودی حضرات معصومین(ع) که واسطه و شفیع انسان پیش پروردگار می‌شوند.

گزیده

خوب به خاطر دارم وقتی در بیمارستان و پس از عمل جراحی به هوش آمدم احساس کردم دست‌ها، پاها، انگشتان، سر، چشم‌ها، گوش‌ها و خلاصه بدنم صحیح و سالم است... متوجه نبودم دچار چه نوع مجروحیتی شده‌ام. فقط می‌دیدم که شیلنگ و لوله‌ای برای تخلیه خون به یک طرف پهلوی من آویزان است.

■ چرا دارالشفاء امام(ع)؟

در سال ۱۳۶۲ که هنوز مجروح نشده بودم روزی با چند نفر از دوستان جبهه و جنگ برای زیارت به شهر مشهد و حرم امام رضا(ع) مشرف شدیم. یادم هست که آن موقع از طرف صحن امام خمینی(ره) که الان سرپوشیده شده و رواق بزرگی به همین نام در حرم هست، به داخل حرم مشرف شدیم. تعدادی از خادمان و دربانان حرم مطهر مشغول جاروکشی بودند و اشعار زیبایی را هم می‌خواندند. آن موقع در دلم یک آرزو داشتم و آن این بود که بتوانم من هم به حرم امام رضا(ع) و تشکیلات آستان قدس رضوی خدمت کنم.
با خودم همان جا نیت کردم اگر پس از پایان جنگ زنده ماندم، حتماً به مشهد بیایم و تمام تلاشم را برای خدمت به مجموعه حرم مطهر امام هشتم(ع) به کار گیرم. پس از اینکه در آذرماه ۱۳۸۰ دوره تخصص پزشکی در رشته پوست را در دانشگاه علوم پزشکی مشهد با موفقیت پشت سر گذاشتم و پس از دریافت شماره و مدرک نظام پزشکی، بدون هیچ معطلی به دارالشفاء امام(ع) در مؤسسه درمانی آستان قدس رضوی مراجعه کردم و نامه‌ای مبنی بر اینکه دوست دارم در این مجموعه که وابسته به تشکیلات بارگاه مقدس امام رضا(ع) است، خدمت کنم نوشتم و آن را به مدیر داخلی مجموعه دارالشفاء آستان قدس رضوی تحویل دادم. ایشان و همکارانش هم پس از بررسی مدرک تخصص پزشکی من و سایر مدارک و اسنادم، من را برای همکاری با این مجموعه دعوت کردند. از آن موقع تاکنون، ۲۰سال است که توفیق خدمت به مجموعه دارالشفاء امام(ع) را خداوند به لطف امام رضا(ع) به من عطا کرده است.

■ غبطه یک جانباز

من همیشه به اخلاص و توفیقاتی که خداوند به برخی از انسان‌ها می‌دهد، غبطه می‌خورم و آنان را در دلم تحسین می‌کنم. من به عنوان یک انسان معمولی و عادی به نظر خودم نتوانسته‌ام تاکنون برای خدا و دین و مردم کاری بکنم، اما وقتی افراد بااخلاص مانند شهدای دوران دفاع مقدس، شهدای مدافع حرم و یا جانبازانی که با روحیه‌ای شاد و بااخلاص به دیدار پروردگار نائل می‌شوند و ایمان و ارادت مستحکمی به پروردگار متعال و حضرات معصومین(ع) دارند را می‌بینم به این افراد بااخلاص و با صفای باطن و مجاهدان و رزمندگان بی‌ادعا و بی‌ریا در صحنه‌های نبرد حق علیه باطل و... واقعاً غبطه می‌خورم. خوشا به حالشان.

■ یک درخواست دیگر

گاهی با خودم فکر می‌کنم ما هر چه داریم از امام هشتم(ع) است و چطور رویمان می‌شود باز هم چیزی از امام بخواهیم. هر چند امام هشتم(ع) آن قدر رئوف و مهربانند که افرادی مثل من روسیاه هم به لطف و عنایات آن حضرت امیدوار هستند. آخرین درخواست من در زندگی دنیوی و در حیات اخروی از امام هشتم(ع) این است که از ایشان می‌خواهم به کردار و رفتار من روسیاه نگاه نکنند که هیچ ارزش و اخلاصی در آن نیست و امیدوارم حضرت رضا(ع) به بزرگواری خودشان، یک نگاهی به «هوشنگ بزرگی» کنند تا او هم در مسیر هدایت الهی از شفاعت آن حضرت بهره‌مند شود. زیرا دلم خوش است که نامم «کبوتر حرم» است.

آگهی ابلاغ دعوتنامه افراز

نظربه اینکه خانم عقیله نجاتی بزدی فرزندعلی نسبت به۱۵۰ سهم مشاع از۵۲۵۰۰سهم ششدانگ پلاک ۳۳۹۳فرعی از ۲۷۶اصلی واقع در اراضی فریمان بخش۱۳مشهد درخواست افرازمالکیت مشاعی خویش رانموده است لذا نماینده ونقشه برداراین اداره در ساعت۹صبح روز۴شنبه مورخ۱۴۰۰،۱۲،۲۵جهت اجرای عملیات افرازبه محل وقوع ملک عزیمت می نمایند. بدینوسیله به سایرمالکین مشاعی که برابراعلام مجهول المکان می باشنددراجرای ماده۱۸آیین نامه اجرای مفاداسنادرسمی ابلاغ میگرددکه درتاریخ فوق الذکردرمحل وقوع ملک حضوربه هم رسانند.بدیهی است عدم حضورمالکین مشاعی مانع انجام عملیات افرازنخواهدشد.ضمنا نقشه وصورت مجلس افرازی متعاقبا آگهی خواهد شد.آ۱۴۱۲۴۲۴

محمدرضارجایی مقدم،رئیس ثبت اسنادواملاک فریمان

آگهی ابلاغ دعوتنامه افراز

نظربه اینکه خانم مرضیه نجاتی بزدی فرزندعلی نسبت به۱۵۰ سهم مشاع از۵۲۵۰۰سهم ششدانگ پلاک ۳۳۹۳فرعی از ۲۷۶اصلی واقع در اراضی فریمان بخش۱۳مشهد درخواست افرازمالکیت مشاعی خویش رانموده است لذا نماینده ونقشه برداراین اداره در ساعت۹صبح روز۴شنبه مورخ۱۴۰۰،۱۲،۲۵جهت اجرای عملیات افرازبه محل وقوع ملک عزیمت می نمایند. بدینوسیله به سایرمالکین مشاعی که برابراعلام مجهول المکان می باشنددراجرای ماده۱۸آیین نامه اجرای مفاداسنادرسمی ابلاغ میگرددکه درتاریخ فوق الذکردرمحل وقوع ملک حضوربه هم رسانند.بدیهی است عدم حضورمالکین مشاعی مانع انجام عملیات افرازنخواهدشد.ضمنا نقشه وصورت مجلس افرازی متعاقبا آگهی خواهد شد.آ۱۴۱۲۴۲۵

محمدرضارجایی مقدم،رئیس ثبت اسنادواملاک فریمان

آگهی ابلاغ دعوتنامه افراز

نظربه اینکه آقای علی نجاتی بزدی فرزندسرورنسبت به۲۳۰۰ سهم مشاع از۵۲۵۰۰سهم ششدانگ پلاک ۳۳۹۳فرعی از ۲۷۶اصلی واقع در اراضی فریمان بخش۱۳مشهد درخواست افرازمالکیت مشاعی خویش رانموده است لذا نماینده ونقشه برداراین اداره در ساعت۹صبح روز۴شنبه مورخ۱۴۰۰،۱۲،۲۵جهت اجرای عملیات افرازبه محل وقوع ملک عزیمت می نمایند. بدینوسیله به سایرمالکین مشاعی که برابراعلام مجهول المکان می باشنددراجرای ماده۱۸آیین نامه اجرای مفاداسنادرسمی ابلاغ میگرددکه درتاریخ فوق الذکردرمحل وقوع ملک حضوربه هم رسانند.بدیهی است عدم حضورمالکین مشاعی مانع انجام عملیات افرازنخواهدشد.ضمنا نقشه وصورت مجلس افرازی متعاقبا آگهی خواهد شد.آ۱۴۱۲۴۲۷

محمدرضارجایی مقدم،رئیس ثبت اسنادواملاک فریمان

آگهی ابلاغ دعوتنامه افراز

نظربه اینکه خانم الهام رضازاده بزدی فرزند برات نسبت به۱۹۰سهم مشاع از۵۲۵۰۰سهم ششدانگ پلاک ۳۳۹۳فرعی از ۲۷۶اصلی واقع در اراضی فریمان بخش۱۳مشهد درخواست افرازمالکیت مشاعی خویش رانموده است لذا نماینده ونقشه برداراین اداره در ساعت۹صبح روز۴شنبه مورخ۱۴۰۰،۱۲،۲۵جهت اجرای عملیات افرازبه محل وقوع ملک عزیمت می نمایند. بدینوسیله به سایرمالکین مشاعی که برابراعلام مجهول المکان می باشنددراجرای ماده۱۸آیین نامه اجرای مفاداسنادرسمی ابلاغ میگرددکه درتاریخ فوق الذکردرمحل وقوع ملک حضوربه هم رسانند.بدیهی است عدم حضورمالکین مشاعی مانع انجام عملیات افرازنخواهدشد.ضمنا نقشه وصورت مجلس افرازی متعاقبا آگهی خواهد شد. آ۱۴۱۲۴۲۸

محمدرضارجایی مقدم،رئیس ثبت اسنادواملاک فریمان

آگهی ابلاغ ماده ۸۷ و ۱۰۱ اموال منقول و غیرمنقول کلاسه پرونده ۱۴۰۰۰۶۱۳۱

بدین وسیله به ورثه زوج مرحوم علی مختاری فارمد نام پدر: غلامعباس شماره شناسنامه: ۸۵۹۷ متولد: ۱۳۵۴/۱۰/۰۱ کدملی: ۰۹۳۳۶۸۳۸۹۸ به نام مرضیه روشندل نام پدر: عبداله تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۰۳/۰۱ شماره ملی: ۰۹۴۰۳۶۶۷۵۴ شماره شناسنامه: ۹۲۹ ابلاغ می‌شود در خصوص پرونده اجرایی کلاسه برابر صورتجلسه مورخ ۱۴۰۰/۹/۷ - ۴۷۹۱۶ - کارشناس رسمی دادگستری شش دانگ اعیان شماره پلاک ثبتی ۵۴۶۳۰ فرعی از ۲۳۲ اصلی بخش ۹ مشهد ۱۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ۲/۷۵ دانگ مشاع از شش دانگ مالکیت مرحوم زوج به مبلغ ۷/۸۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده، لذا چنانچه به مبلغ ارزیابی اموال معترض می‌باشید، اعتراض کتبی خود را ظرف مدت پنج روز از تاریخ ابلاغ این اخطاریه به ضمیمه فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدیدنظر (هیئت سه نفره هر نفر) مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به دفتر صادرکننده اجرائیه تسلیم نمایید. و همچنین خودرو متعلق به مرحوم زوج برابر صورتجلسه ۵۰۵۷۳- ۱۴۰۰/۹/۲۰ خودرو پژو روا به شماره انتظامی ۶۸ ص ۷۳۹ ایران ۱۲ به مبلغ ۵۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده، لذا چنانچه به مبلغ ارزیابی اموال معترض می‌باشید، اعتراض کتبی خود را ظرف مدت پنج روز از تاریخ ابلاغ این اخطاریه به ضمیمه فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدیدنظر (هیئت سه نفره هر نفر) مبلغ ۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال به دفتر صادرکننده اجرائیه تسلیم نمایید ضمناً به اعتراضی که خارج از موعد یا فاقد فیش بانکی دستمزد کارشناس تجدیدنظر باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد. م.الف ۲۱۴ آ۱۴۱۲۴۲۲۱

رئیس اداره اجرای اسناد رسمی مشهد- محمدرضا اجتهادی عرب

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه آقای ابوالفضل زینل‌نیا طوسی فرزند زینل باستناد ۲ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت شش دانگ اعیان یکباب خانه به شماره پلاک ۵۱۴۶ فرعی از ۲۲۷ اصلی بخش ۹ مشهد که متعلق به نامبرده میباشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک، معلوم شد: شش دانگ مالکیت نامبرده در ذیل شماره دفتر املاک ۷۳۳ صفحه ۱۵۸ شماره ثبت ۱۴۵۸۹۹ بنام آقای ابوالفضل زینل‌نیا طوسی فرزند زینل ثبت و سند مالکیت دفترچه‌ای به شماره چاپی ۹۱۷۳۶۰ صادر گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. و این بخشنامه به استناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت املاک صادر گردید.
لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی، نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۲۱۳ آ۱۴۱۲۴۲۳

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد مقدس- سیدمحمدباقر حسینی جهانگیر

آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیات مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک بجنورد مورد رسیدگی و تائید قرار گرفته جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیرالانتشار و محلی) بشرح ذیل آگهی می گردد:
بخش دو بجنورد پلاک ۱۴۵- اصلی اراضی کلاته علیخان ناظر
۱-ششدانگ یکباب ساختمان از پلاک ۱۵ فرعی از ۱۴۵ اصلی فوق به مساحت ۱۵۰۷/۲۴ متر مربع ابتیاعی آقای علی بطالبلویی به میزان دو دانگ مشاع از شششدانگ و آقای قربان محمد بطالبلویی به میزان دو دانگ مشاع از شششدانگ و آقای امیر بطالبلویی به میزان دو دانگ مشاع از شششدانگ (مشاعاً و بالسویه) از محل مالکیت رسمی محمد ناظری و ورثه محمد ناظری به نامهای جمشید و فرود و فرشته و ملیحه برابر آراء شماره های ۲۸۳۵-۱۴۰۰ و ۲۸۳۴-۱۴۰۰ و ۲۸۳۳-۱۴۰۰ مورخه ۱۴۰۰/۱۰/۱۴-کلاسه های ۰۱۵۰-۱۳۹۹ و ۰۱۴۹-۱۳۹۹ و ۰۱۴۸-۱۳۹۹
لذا بدینوسیله به فروشندگان ومالکین مشاعی و اشخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ می گردد چناچه اعتراضی دارندبایداز تاریخ انتشار آگهی و در روستاهااز تاریخ الصاق درمحل تا دوماه اعتراض خود رابه اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسیداخذ نمایندمعترضین باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایندوگواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهنددرصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردیامعترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهدنمود ضمنا صدورسند مالکیت مانع از مراجعه متضرربه دادگاه نخواهد بود.
شناسه آگهی ۱۲۷۹۶۶۴ آ۱۴۱۱۸۰۴
تاریخ انتشارنوبت اول ۱۴۰۰/۱۲/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

علیخان نادری- رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۲۷۰۱۰۰۰۴۶۹مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۰۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مهدی عباسی فرزند مقصود بشماره شناسنامه ۶۳۱ صادره از زنجان در یک باب ساختمان مسکونی به مساحت ۳۰۰ مترمربع پلاک فرعی از اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۱ اصلی واقع در بخش ۷ خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ۱۴۱۱۸۳۱
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۰/۱۲/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

محمدرضا حسنی -رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی میگردد:
خانم خدیجه رستمی یازتپه به شناسنامه شماره ۰۸۱۰۱۲۴۵۸۰ کدملی ۰۸۱۰۱۲۴۵۸۰ صادره سرخس فرزند حلیم خان در ششدانگ یکباب منزل به انضمام طبقه فوقانی به مساحت ۱۷۰/۸ مترمربع پلاک شماره ۱۰۱۰ فرعی از ۵۴۱ فرعی از ۲۷۶ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل قسمتی از مالکیت مرحوم برات خضرائی کاریزی و قسمتی از پلاک** کلاسه ۴۲۳-۹۸
لذا بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارایه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ۱۴۱۱۸۲۴
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۱۲/۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد-غلامرضا آقازاده

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانها فاقد سند رسمی

برابر آرای صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی درگز تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضای آنان به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان درگز تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.
بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
۱.آقای ابراهیم امیری یاقول فرزند حسن نه سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک باب منزل به مساحت ششدانگ ۱۳۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۵ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای استاد حسن معمار
۲.آقای نیما بابازاده مقدم فرزند محمدعلی ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۱۵۴/۶۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۶۲ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری نه سهم مشاع از ده سهم ششدانگ مع الواسطه از مالک رسمی آقای حسین زارع مهرجردی و یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ از آستان قدس رضوی
۳.آقای اکبر محمودی کاهو فرزند اسمعیل یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک باب منزل به مساحت ششدانگ ۳۶۱/۱۸ مترمربع قسمتی از پلاک ۷۹ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری از مالک رسمی آستان قدس رضوی
۴.خانم فاطمه شیخ سعدآبادی فرزند غلامرضا یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک باب منزل به مساحت ششدانگ ۱۵۰/۰۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۰۷ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری از مالک رسمی آستان قدس رضوی
۵.آقای حسن فدائی فرزند محمود یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک باب منزل به مساحت ششدانگ ۲۷۸/۷۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۳۶ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری از مالک رسمی آستان قدس رضوی
۶.آقای رحمان حاتمیان فرزند براتعلی ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۱۰۰/۸۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۶۵ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری نه سهم مشاع از ده سهم ششدانگ مع الواسطه از مالک رسمی آقای یحیی بایسته توتک و یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ از آقای علی محمد کریم آبادی وآستان قدس رضوی
۷.خانم پروین جنگجو فرزند اله قلی ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۱۱۷/۸۹ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۶۵ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری نه سهم مشاع از ده سهم ششدانگ مع الواسطه از مالک رسمی آقای یحیی بایسته توتک و یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ از آستان قدس رضوی
۸.آقای غلامرضا سراوانی فرزند رضا یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک باب منزل به مساحت ششدانگ ۱۵۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۳۵ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری از مالک رسمی آقای رضا سراوانی و آستان قدس رضوی
۹.آقای مسلم شایسته فرزند یوسف ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۱۲۰/۳۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۴۶ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری نه سهم مشاع از ده سهم ششدانگ مع الواسطه از مالک رسمی آقای محمد رزم جهانی و یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ از آستان قدس رضوی
۱۰.خانم مهین صادقی فرزند آقامیر ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۱۲۸/۴۱ مترمربع قسمتی از پلاک یک فرعی از ۱۸ـ اصلی واقع در مزرعه خیرآباد قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای محمدابراهیم ابوزاده ناوخی
۱۱.آقای اکبر محمودی کاهو فرزند اسمعیل ششدانگ یک باب مغازه و منزل به مساحت ۸۳/۵۸ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۰۱ فرعی از ۲۲ـ اصلی واقع در کلاته کوشک شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری مع الواسطه از مالک رسمی شهرداری درگز
۱۲.آقای حسن طاهری فرزند طاهر ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۵۸۴۲/۸۴ مترمربع قسمتی از پلاک های شمارات ۳۴ و ۳۶ و ۳۷ و ۴۰ فرعی از ۶۴ـ اصلی واقع در مزرعه شاهگلدی آباد قطعه شش درگز بخش ۷ قوچان خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای طاهر طاهری
۱۳.آقای جلال یوسفی فرزند یوسف ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۸۴۰/۴۹ مترمربع تمامی پلاک های شمارات ۲۲ و ۲۴ فرعی از ۲۷۷ـ اصلی واقع در قریه تگن قطعه دوازده درگز بخش ۷ قوچان خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای قربان علیزاده آ۱۴۱۱۷۸۴
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

ناصرحسن زاده-رییس اداره ثبت اسنادو املاک شهرستان درگز

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون)

هیئت حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان میاندوآب بشرح زیر تصرفات مفروزی و مالکانه اشخاص را تأیید و به جهت عدم دسترسی به مالکین مقرر شده است پس از نشر آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردد و علیهذا در اجرای ماده ۳ قانون مذکور و آئین نامه اجرائی آن مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع مالکین مشاعی و سایر صاحبان حقوق آگهی می شود و چنانچه اشخاص اعتراض داشته باشند حداکثر ظرف مدت دو ماه از انتشار اولین آگهی اعتراض کتبی خود را مستقیماً بع اداره ثبت